

شرح مشنوی شریف

جزو نخستین از دقراول

مشتمل بر

شرح ابیات از (۱) تا (۸۹۸)

تالیف

بدیع الزمان فرور انفر



فهرست مطالب

- ۱- مقدمه مؤلف صفحه يك - چهارده
- ۲- شكایت و حکایت نئی (سر آغاز مثنوی) ۴۰-۱
- ۳- داستان پادشاه و کنیزك ۱۴۷-۴۱
- ۴- داستان پادشاه جهود ۲۹۰-۱۴۹
- ۵- داستان پادشاه جهود دیگر ۳۳۶-۲۹۱
- ۶- جدول خطا و صواب ۳۳۸-۳۳۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بَعْدَ الْحَمْدِ وَالصَّلَاةِ : نزدیک به چهل سال است که بتوفیق خدای بزرگ و جذب و کشش باطن پرفروغ حضرت مولانا عَظَّمَ اللهُ اسْرَارَهُ که معدن حقائق و سرچشمه فیاض معرفت است بمطالعه و تأمل در مثنوی شریف اشتغال دارم ، درین مدت بارها مثنوی را از آغاز تا پایان خوانده‌ام و شروح و حواشی آن کتاب آسمانی را در مطالعه گرفته‌ام و چون در آغاز کار، چاپ مشهور علاءالدوله را در دسترس داشتم مشکلات بسیار می‌یافتم که حل آن بر ایم سخت دشواری افتاد زیرا طبع مذکور با وجود مزایایی که بر اکثر چاپهای ایران و هند دارد و مطابق گفته مصحح ، مبتنی بر نسخه‌ای بسیار کهن از مثنوی است ، اغلاط و تصحیف فراوان و اشعار اضافی که صوفیان و یا خوانندگان دیگر از پیش خود افزوده‌اند ، در آن راه یافته است و این همه موجب دشواری فهم و پریشانی خاطر خواننده تواند بود بخصوص از جهت کلمات و لغات نادر که تغییر یافته و یاد و چار تصحیف گردیده و نیز ابیات دخیل که گاه رشته مطلب را از هم گسیخته است. از اینرو در هزار و سیصد و بیست و یکم هجری شمسی این نسخه را بامثنوی خطی بتصحیح عبداللطیف عباسی که در دونوبت مثنوی شریف را از روی هشتاد نسخه بگفته خود تصحیح کرده است ، مقابله کردم و باز هم چنانکه باید گرهی از کار گشوده نگشتم . سپس نسخه چاپ لیدن را که باهتمام استاد فقید و گرانمایه ، رینولدالین نیکلسون از محققین بزرگ بطبع رسیده است با چاپ علاءالدوله برابر فرو خواندم و موارد اختلاف را در حاشیه قید کردم و بدین نتیجه رسیدم که بهترین چاپ همان طبع لیدن است که با رعایت کمال

شرح مشنوی شریف

جزوہ دوم از دفتر اول

مشتل بر

شرح آیات از ۹۰۰ تا ۱۹۱۲

تالیف

بیع الزمان فرور انفر



فہرست مطالب

- ۱ - مقدمہ مؤلف صفحہ یک - دو
- ۲ - قصہ شیر و نخجیران » ۳۳۷-۴۹۰
- ۳ - قصہ عمر و رسول قیصر » ۴۹۱-۵۹۰
- ۴ - قصہ بازرگان و طوطی » ۵۹۱-۷۵۱

لا اله الا الله محمد رسول الله
 علی بن ابی طالب

مأخذ و نقد و تحلیل این داستان :
 مأخذ این داستان ، حکایتی است که در کلیله و دمنه ،
 باب الاسد و الثور (چاپ مینوی ، ص ۸۷-۸۶) ذکر
 شده است ، و آن قصه‌ای است ساده و بسیط که جز بعضی

آرایشهای لفظی و صنعتهای دبیرانه و استشهاد بچند شعر تازی و پارسی و مقداری
 پند و اندرز و مثل و حکایت هیچ نوع ترکیب و فزونی مطلب در آن راه نیافته
 است ولی در تقریر و نقل مولانا ، این قصه ، موضوع طرح مسائل مهم عرفانی
 و فلسفی از قبیل توکل و کسب و تأثیر قضا و قدر و بتبع آن ، مسأله جبر و اختیار
 و عدم منافات تملک و مباشرت امور دنیوی با زهد و توکل ، و خفا و ظهور
 حق تعالی و سیلان حقیقت جهان و حرکت جوهری و مجاهده و مخالفت نفس
 و نکته‌های دیگر قرار گرفته و تمثیلهای چند حکایت در ضمن آن مندرج شده ۱۰
 است و مولانا بسیاری از این مسائل را با دلیل و برهانهای قوی و یا با ذکر
 مثال از امور حسسی و یا باستناد روایات و عقاید دینی بیان فرموده است .

ارتباط و پیوستگی این داستان بقصه پیش از آن ، بواسطه بیت (۸۹۸)
 است که در آن ، از فریفته شدن بطواهر و قلب‌های زرانود ، خواننده را بر حذر
 می‌دارد تا بفسون و تزویر منافقان و عالم نمایان و دنیا پرستان زاهد شکل فقیه - ۱۰
 دیدار ، از راه بدر نرود و در چاه نیفتد ، این مضمون مناسبت دارد با ماجرای
 شیر و خرگوش که شیری با همه زور و توانایی بفسون و دلداده خرگوشی خردک
 اندام در چاه افتاد و جان در سرخوش باوری و یکتا دلی خود کرد لیکن چنانکه
 اشارت رفت ، مولانا در ضمن این داستان نکات بسیار مهم دیگر را نیز مطرح
 ساخته و در باره بعضی از آنها که زمینه سخن فراهم بوده بتفصیل بحث نموده ۲۰
 است ، اینک بیان حکایت ، مطابق تقریر مولانا :

جانوران نے آزار و ننجیران از همسایگی شیر در رنج بودند و از کین

شرح مشنوی شریف

جزو سوم از دفتر اول

مشتمل بر

شرح ابیات از ۱۹۱۳ تا ۳۰۱۲

تألیف

بدیع الزمان فرور انفر



فہرست مطالب

- ۱ - مقدمہ مؤلف صفحہ يك - پنج
- ۲ - داستان پیر چنگی » ۷۵۳-۹۱۳
- ۳ - داستان اعرابی و خلیفہ » ۹۱۵-۱۲۳۶
- ۴ - جدول خطا و صواب » ۱۲۳۷

مأخذ و نقد و تحلیل

این داستان :

مأخذ آن ، قصه‌ای است که در اسرار التّوحید (طبع
طهران ، ذبیح‌الله صفا ، ص ۱۱۶) ذکر شده و ما آنرا
در مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه

- طهران ص ۲۱-۲۰) نقل کرده‌ایم ، خلاصه آن اینست که حسن مؤدّب ، خادم
خانقاه ابوسعید فضل‌الله بن ابی‌الحزیر (متوفی ۴۴۰) در نیشابور ، وام بسیار
بر آورده بود ، پیرزنی صد دینار زر بوی داد تا نفقه درویشان کند ، بوسعید
حسن را گفت این زر برگیر و بگورستان حیره (یکی از گورستانهای معروف
نیشابور) برو ، آنجا چارطاقی است نیم‌ویران و شکسته ، پیری در آنجا خفته است ،
این زر بوی ده ، حسن بدان چارطاقی رفت ، پیری خفته دید که طنبوری در زیر
سر نهاده بود ، بیدارش کرد و صد دینار زر بوی داد ، پیر گفت من در جوانی
طنبور می‌زدم و خواستاران بسیار داشتم ، از آنچه بمن می‌رسید وجوه معیشت
راست می‌کردم تا پیر شدم و دیگر مرا خواستاری نماند و تهی دست شدم ، عیال
و فرزندان ، مرا برانندند ، من از همه کس و همه جا نومید گشتم ، بدین گورستان
آمدم ، گفتم خدایا تاکنون برای خلق طنبور می‌زدم ، اکنون برای تو می‌زنم تا
نامم دهی ، از سر شب تا نماز بامداد طنبور می‌نواختم ، سرانجام مانده شدم و
بجواب رفتم ، حسن او را برگرفت و بنزدیک بوسعید برد ، پیر بردست بوسعید
توبه کرد ، شیخ گفت ای جوانمرد از سر کمی ونیستی و بی کسی در خرابه ، نفسی
بزدی ، ضایع نگذاشت ، برو و هم با او می‌گویی و این سیم می‌خور .

شیخ فرید الدین عطار نیشابوری نیز این حکایت را در مصیبت نامه

- (طبع طهران ، ص ۳۴۱-۳۴۰) بنظم آورده است با این تفاوت که جزو اوّل
داستان را از بی‌چیزی درویشان و وام حسن مؤدّب باخر حکایت برده و داستان را